

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

محمد سرور نا

مونشن المان

۰۳.۰۳.۱۰

طرز دید پیروان دین مسیح و اسلام در باره ذات پاک خداوند جل جلاله

در اخیر مضمون قبلی (نظریک دانشمند در مورد اسلام) وعده کرده بودم که خلاصه بعضی قسمتهای مطالعات تحقیقی جناب داوود عبدالاحد درباره اثبات پیامبری حضرت محمد صلعم به استناد گفتار بعضی از انبیاء و پیامبران بنی اسرائیل مندرجه تورات وانجیل را که پیدا و واضح ساخته است مینگارم اینک براساس همان وعده اولتراز همه، طرز دید پیروان حضرات موسی و عیسی علیهما لسلام و اسلام درباره خالق کاینات را به عرض میرسانم.

بنا بر عقیده جناب داوود عبدالاحد و ویلیام جیمز نویسنده کتاب قران و محمد و جناب ابوالفضل رشید الدین المیبدی مفسر قران کریم معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصار (ر) و اثر جناب حکمت، در آغاز عیسویت، هر دو دین یهود و عیسویت و بعداً که اسلام اعلام گردید هر سه بر اساس رهنمائی و دستور حضرات موسی، عیسی و محمد علیهما لسلام درین باره و میثاقی که میان پروردگار عالم با ابراهیم خلیل الله بسته شده هم عقیده بودند و اختلاف در بین شان وجود نداشت. اما متأسفانه بعداً دیده میشود که یک عده از مسیحیون جانب دیگر و در راه دیگر روان شده خدای سه گانه معرفی میکنند جناب عبدالاحد دانشمند مورد بحث ما در آثار خود جواب دوسوال را از روحانیون عیسوی تقاضاء کرده است.

۱ - آیا ما موجودات ضعیف، فانی و جاهل به خدای یگانه معتقد شده و آنرا پرستش کنیم و یا آنکه به چند خدا اعتقاد داشته و از همه آن ها باید بترسیم؟

۲ - کدام یکی ازین دو پیامبر محمد (ص) و یا عیسی (ع) منظور میثاق الهی با ابراهیم خلیل است؟
به نظر حضرت محمد ص و پیروانش الله تنها ذات واجب الوجود علی کلشی قدیر و بکل شیء علیم است که بر تمام موجودات و همه چیز محیط است. یعنی فضاء، موجودات و اشیاء را پر میکند. به عبارت دیگر سرچشمه کل حیات

کل دانش وکل توانائی است . الله خالق یگانه ، اداره کرده یکتا و فرمانروای مطلق کون و مکان است . ذات ، شخصیت و ماهیت الله درواری درک و فهم انسانی است اما سعی و کوشش درباره تعریف ذات وی نه تنها بی ثمر است بلکه سلامت روحی و ایمان ما را به خطری اندازد . به علاوه قرانی که حضرت محمد به دنیای بشریت اعلام کرده است به همان زبانی بود که خود و پیروان و سایر وطندارانش به همان لسان صحبت میفرمودند و همین که وحی توسط ملک آسمانی رسیده و از زبان مبارک شان گفته میشد هم درسینه ها حفظ و هم نوشته میگردد و اما تورات و انجیل موجود ، بنا بر قولی هشتاد و به قول دیگر دوصد سال بعد از صعود حضرت عیسی ع به آسمان به زبان یونانی یعنی غیر زبان آرامی که لسان مادری حضرت عیسی ع بود به اقسام مختلف که یکی به دیگری قطعاً مطابقت ندارد توسط اشخاص مختلف نوشته شده و آنهم بعد از سالهای طولانی به زبانهای دیگر ترجمه گردیده است و در اثر همین ترجمه ها یا سهواً و یا قصداً تصرفات و تغییرات عجیب در آنها به عمل آمده که توضیح همه باعث طول کلام و درد سر می گردد . خلاصه اینکه به اثر مداخلات بعضی روحانیون متعصب و مغرضین متأسفانه درین دینی که به نام عیسی روح الله مسمی گردیده و از آن پیروی میشود چنان تغییراتی به وجود آمده که اگر خود حضرت مسیح زنده گردیده و متوجه آن شوند یقیناً اظهار تأسف و تأثر عمیق مینمایند .

بعد از صعود حضرت مسیح در آسمان ، عیسویت در مرا حل اول به دوش یکتا پرستان و طرفداران خدای سه گانه (پدر ، پسر ، و روح القدس) منقسم گردیده ، یکی دیگر را تکفیر میکردند .

در سال ۳۲۵ میلادی کنستانتین امپراطور روم شرقی که طرفدار خدای سه گانه بود در منطقه نیقیه که نزدیک (قسطنطنیه) استانبول کنونی بود کنفرانسی متشکل از تمام پیروان مختلف مسیحیت تشکیل داده و پس از چند روز مباحثات ، خلاف تمام جدوجهد طرفداران خدای یکتا که در اکثریت بودند به اثر فشار و تحمیل نظریات کنستانتین امپراطور ، دین تثلیث تثبیت و اعلان گردید و هم فیصله به عمل آوردند که سایر کتب ، اوراق و اسناد یکتاپرستی همه باید حریق و از بین برده شوند . از هر خانه که ازینگونه کتاب یا اوراق و یا اسناد اگر پیداشود خانه حریق و صاحب آن کشته شود که درین راه هزاران خانه حریق و صدها هزار انسان به جرم یکتا پرستی کشته شده اند و به این ترتیب عقیده و دین تثلیث جبراً و قهراً تطبیق گردید و همان انجیل موجود آنوقت با همان اختلافات که از زبان یونانی ترجمه گردیده بود کتب دینی قبول و تحمیل شد . انجیل برنا با اثر روحانی مقدس که منعکس کننده اصل گفتار و بیانات حضرت عیسی در مورد حضرت محمد ص و سایر موضوعات دینی بوده و از حریق و تلف شدن در امان مانده و در گوشه ای پنهان بود ، همینکه بعداً پیدا شده متأسفانه روحانیون متعصب مخصوصاً قدرتمندان کلیسا ها که با قبول آن قدرت شان در خطر قرار میگرفت آنرا فاقد اعتبار و جعلی اعلان کردند . تعجب آوراینست که خود دنیای مسیحیت حتی انجیل یوحنا را رد کرده اند چون این انجیل خالق یکتا را پدر الهی کلامش را فرزند الهی و چون خالق عالم در موجودات جان دمیده است این ذات مقدس را به روح الهی ملقب ساخته اند . اینها خداوند عالم ج را پدر حضرت عیسی را پسر و حضرت جبرئیل امین را روح القدس میگویند اما اینها نمی دانند که منطقاً خداوند ج نمیتواند قبل از خلقت ، پدر و قبل از صحبت ، فرزند و قبل از جان یار و روح دمیدن روح القدس باشد یعنی در آن زمانیکه انسان را خلق نکرده بود ، پدر مطرح بحث قرار گرفته نمیتواند و حضرت عیسی (ع) کجا بود ؟ و روح به کدام انسان دمیده می شد ؟ از جانب دیگر صفات خداوند را نمیتوان موجودات یا شخصیت های الهی جداگانه و مشخص تصور کرد زیرا در آن صورت نه تنها به تثلیث بلکه به ده ها تثلیث دیگر مواجه میشویم . صفت تا وقتیکه از موصوف خود صادر نشده موجودیت ندارد . مثلاً وقتی از اعمال خوب و رحمت و نعمات خداوند بهره مند میشویم میگوئیم خداوند خوب ،

رحیم و مهربان است ولی نمیتوان ازین طریق خداوند ج را به معنی دقیق کلمه توصیف کنیم و بگوئیم خداوند خوبی، مهر بانی و رحیمی است زیرا اینها خداوند نیستند، بلکه کار و عمل، رحمت و نعمت خداوند ج است .

یعنی فعل یا کلام خداوند یک شخص و یا جداگانه از الوهیت نیست. قرآن کریم نیز کلام الله است و به قول جناب داود عبدالاحد کمال بیدینی است اگر بگوئیم کلمه خدایک کالبد، اقنوم یا شخص معین است و اضافه کنیم که این کلمه دارای گوشت، پوست و استخوان شده به شکل حضرت عیسی یا به شکل یک کتاب به نام قرآن پدیدار شد. همچنین همین دانشمند محترم مدعی است باید بدانیم در مورد کلمه از اوایل قرن دوم عیسوی به اینطرف تا زمانیکه عیسویان موحد و یکتاپرست کاملاً سرکوب نشده و ادبیات مذهبی شان نابود نگردیده بود، مجادلات و مباحثات شدید میان این پاپ ها ی کلیسا و پدران روحانی دو کلیسای مختلف عیسویت مخصوصاً در شرق جریان داشت و عیسویان موحد عیسویان تثلیث را به تغییرات و جعل کاری و تصرفات و تحریفات در کتب مقدسه متهم کرده اند .

در فرمول آغاز عیسویت به نام اب، ابن، و روح القدس اصلاً اسمی از خداوند وجود ندارد. مشکل دیگر درینست ما مسلمانان و عیسویان هر دو معتقدیم که خداوند ج در همه جا ها و زمانها حاضر و ناظر است و در همه اشیاء، اجناس و زیروح وجود دارند و بر آن محیط میباشند. درینصورت پس به عقیده پیروان تثلیث باید هر سه شخصیت الوهیت در آن واحد و یا جداگانه کاینات را پر کنند و بر آن محیط باشد یا چنین تصور کنیم هر کدام به نوبت این عمل را انجام می دهند؟ سؤالی است که جواب ندارد .

در دین موسی "یهود" یعنی در تورات خدای مهربان و واحد، پدر نامیده شده، به این مقصد بوده که خالق نسبت به مخلوق مانند پدر مهربان، رحیم و حافظ است اما متأسفانه چون عیسویت ازین اسم سوء استفاده کرده پدر، پسر و روح القدس ساختند لهذا در هیچ جای قرآن از پدر نام برده نشده .

تورات و قرآن از خدای یگانه، قادر و دانا صحبت کرده و به همین صفت می شناسد اما خود یهودیان عزیز را پسر خدای یگانه خوانده بود و عیسویت هم از همین نظر سا خته و بافته بعضی یهود یان الهام گرفته و حضرت عیسی را پسر خداوند خوانده اند. اما عجب درین است که یکی ازین اناجیل دست داشته جهان عیسویت را نه حضرت عیسی دیده و نه خوانده و نه گفته و نه نوشته به علاوه طوریکه قبلاً هم گفتیم همه این تورات و اناجیل موجود مورد استفاده جهان عیسویت و کلیساها از اناجیلی ترجمه گردیده که به زبان یونانی نوشته شده بود در حالیکه همه میدانیم و خبر داریم که حضرت عیسی ع یک کلمه یونانی نمی فهمید و اناجیل اصلی که یاران حضرت مسیح به زبان آرامی نوشته اند اصلاً وجود ندارد اگر باشد یقیناً قید شده و از نظرها مخفی نگهداری میشود زیرا با ظاهر گردیدن آنها پیامبری حضرت محمد ص از نظر عیسویت نیز کاملاً تثبیت و دین اسلام آخرین دین مورد قبول واقع و منافع کلیسایی ارباب کلیساها در مخاطره قرار میگیرد.

در مبحث بعدی انشا الله به تشریح نظریات بعضی از پیامبران بنی اسرائیل که هر یکی در زمان حیات خود درباره ظهور خاتم الانبیا حضرت محمد (ص) مطالبی اظهار داشته و آمدن شان را پیشگوئی و تصدیق کرده بودند که در تورات و اناجیل موجود نیز درج می باشد می پردازیم.

در بخش قبلی تحت عنوان (طرز دید پیروان مسیح و اسلام درباره ذات پاک الله (ج)) وعده کرده بودم که در مقاله بعدی نظر بعضی از پیامبران بنی اسرائیل در مورد ظهور و پیامبری حضرت محمد (ص) مندرج در تورات و اناجیل را توضیح خواهم کرد اینک به استناد آثار بزرگان که در آغاز تذکر داده ام به تشریح آن و بعضی تصرفات و تغییراتی که از جانب مخالفین اسلام در برخی قسمتهائی از مندرجات تورات و اناجیل صورت گرفته است میپردازم.

اولتر از همه تذکر این مطلب ناگفته نماند، تمام آیات تورات و اناجیل متذکره این مقاله را شما هم میوانید در تمام اناجیل و تورات ها مطالعه فرمائید.

در تورات سفر مثنی فصل ۱۸ آیت ۱۸ از زبان حضرت موسی کلیم الله چنین میخوانیم (و خدا وند) به من فرمود پیامبری را برای ایشان مثل تومبعوث خواهم کرد و کلام خویش را بدهنش خواهم گذاشت. جناب داود و عبد الاحد درین باره معتقد است اگر این آیت تورات در مورد محمد ص صدق پیدانکند باید گفت که مضمون آن تا هنوز به تحقیق نه پیوسته زیرا حضرت عیسی و یایکی از یارانش نگفتند که این پیامبر موعود میباشد در صورتیکه همه میدانیم گفتار پیغمبران بدون نتیجه نمی باشد و اینها که قبل از حضرت محمد ص بودند اگران پیغمبر موعود نباشد غیر از حضرت محمد ص دیگر چه کسی میتواند باشد؟ درین شکی نیست که عیسویت منتظر ظهور ثانی حضرت عیسی ع میباشد که ما مسلمانان نیز چنین عقیده داریم .

در همین زمینه تورات عهد جدید، اعمال رسولان باب سوم بند های ۲۱ - ۲۲ چنین نوشته شده می باید آسمان اورا بپذیرد تا زمان میعاد (درینجا بادو مشکل مواجه میشویم):

اول - یهود و عیسویت متحد القول هستند که ظهور حضرت عیسی ع و آغاز کار آن مطابق آیات پیشگوئی حضرت موسی ع نبود، زیرا حضرت عیسی ع نه مثل حضرت موسی ع مبارزه کرد و نه تبلیغ دین نمود و نه کدام دینی را اساس گذاشت فقط به اصلاحات دین یهودی پرداخت و بارها در مجامع عامه یا محافل خصوصی به اقسام مختلف اظهار داشته اند پیغمبر دین آور بعد از من به نام احمد می آید و دین مکمل اسلام را اساس میگذارد که در قران کریم نیز عیناً به همین ترتیب آیات وجود دارد.

۲ : - درباره آمدن دوم حضرت عیسی ع خود عیسویت عقیده دارند که به حیث داور و قاضی به زمین فرود میاید نه بحیث یک پیامبر شریعت گذار .

آیت دیگر مندرجه تورات سفر مثنی، تثنیه فصل ۳۳ آیات یک تا سوم در همین موضوع مورد بحث چنین هدایت فرمود (اینست برکتی که موسی مرد خدا قبل از وفاتش به بنی اسرائیل داد) و گفت (یهوه از سینا آمد و از سعیر برایشان طلوع کرد و از جبل فاران درخشان گردید و باده هزار مقدسین و مؤمنین آمد و از دست راست او برای ایشان شریعت آتشین پدید آمد).

درین کلمات پیامبرانه حضرت موسی ع خداوند به آفتاب تشبیه شده از سینا می آید از سعیر طلوع میکند ولی شکوه و جلالش از فاران میدرخشد آنجاکه این پیامبر باید باده هزار مقدسین فرابرسد و شریعت آتشین در دست راست داشته باشد درین باره محققین هر قدر تجسس کرده اند هیچ یکی از پیامبران بنی اسرائیل را بجبل فاران (کوهی است در مکه) مرتبط نیافتند جز از حضرت اسماعیل ع که بامادر خود بی بی هاجر از خانه حضرت ابراهیم خلیل برآمده در آن صحرای ریگزار سوزان روان بودند که از شدت گرما و تشنگی به حالتی رسیدند که توان مقاومت را از دست دادند و بی بی هاجر با نا امیدی به خداوند متعال گریست و از سوز سینه صدا کرد خدایا! پروردگار عالم فرمود لیبیک هاجر با این جواب، چشمه آب سرد و گوارا درین دشت سوزان جاری و همانجا محل سکونت مادر و پسر و اعراب صحرا گرد گردید و به اثر ازدواج اسماعیل ع با یک دختر مصری از وی فرزندان فراوان به وجود آمد که پسرانش قیداره نبایوت و غیره نامیده می شدند که قیداره جد حضرت محمد ص بود و همین منطقه را به زبان عبری و سامی پاران و به عربی فاران میگفتند که تا کنون به همین اسم مسمی میباشد و اعراب در همان منطقه و در اطراف همان آب زندگی میکنند و فراموش نشود. این حضرت محمد ص بود که با ده هزار مقدسین در مکه وارد و شریعت اسلام را با دست راست و اعلام کلمه مقدس (لا اله الا الله محمد رسول الله) را به دنیا اعلام فرمود .

حقوق نبی یکی دیگر از پیامبران بنی اسرائیل میباشد که در آیت سوم فصل سوم تورات چنین بیان داشته است (خداوند از تیمان آمد و آن قدوس از جبل فاران، سلاجلال او آسمانها را پوشانید و زمین از خدا و مملو گردید) درین آیت لغت حمد بسیار مهم است. یعنی این پیامبر که از جبل فاران ظهور میکند مورد حمد قرار میگیرد. درینباره جناب داود و عبدالاحد و جناب ابوالفضل رشید الدین المیبیدی مفسر قرآن عظیم الشان معروف به کشف الاسرار و جناب حکمت معتقد اند که اگر این پیشگویی درباره حضرت محمد ص انطباق پیدا نکند پس باید گفته شود تا هنوز عملی نشده در صورتیکه همه دانشمندان دینی میدانند که هیچ پیشگویی پیامبران به حق بی نتیجه نمانده و نمی ماند.

پیشگویی اشعیا نبی مندرجه آیت ۱۱ تا ۱۳ فصل ۲۴ تورات :

صحرا و شهرها و قریه هائیکه اهل قیداره در آنها ساکن میباشند آواز خود را بلند نمایند و ساکنان صخره سالخ ترنم کنند و از قله کوه ها نعره بزنند جلال خداوند را توصیف کنند و حمد و تسبیح او را در جزیره ها بخوانند خداوند جبار بیرون میاید و مانند مرد جنگی غیرت خود را برمی انگیزاند. (فریاد بلکه نعره خواهد زد و بردشمنان خویش غلبه خواهد کرد).

این آیت مینمایاند که خداوند ج به ساکنان بیابانهای فاران نیز وعده وحی و ارسال رسول خود را داده است که به این صورت واضح میگردد که هزار سال قبل از ظهور محمد مصطفی ص آمدن و پیامبری شان را پیشگویی کرده است که در تورات تا امروز ثبت میباشد.

دو پیشگویی دیگر از همین پیغمبر به حق بنی اسرائیل در همین باره، یعنی ظهور پیغمبر مربوط به نسل قیداره. اول - در آیات ۱ تا ۷ فصل ۶۰ باب اشعیا اینگونه میخوانیم (برخیز و بر توافکن، درخشان شو که نور تو آمد و جلال خداوند بر تو طلوع کرده است. زیرا اینک تاریکی جهان را و ظلمت ام را پوشانیده، کثرت شتران و بنی مدین و بنی عیقه از اسباط بنی اسماعیل ترا خواهند پوشانید. جمیع اهل شعب خواهند آمد، تمام رمله های قیداره نزد تو جمع خواهند شد و قوچهای نیاپوت ترا خدمت خواهند کرد با پذیرش به مذبح من خواهند آمد و من خانه جلال خود را شکوه و عظمت خواهم داد).

پیشگویی دوم:- آیات ۱۳ تا ۱۷ متذکره در فصل ۲۱ کتاب اشعیا نبی مندرج تورات:

(باری بردوش عربستان) کلمه بار در نسخ دری اناجیل قدیم وحی ترجمه شده اما مهمترین کلمه عربستان است که علاوه از ترجمه دری در نسخه های قدیمی تمام السنه اروپائی کلمه عربیا عینا آمده یعنی وحی در عربستان، اما بعداً که دنیای مسیحیت متوجه این نکته شده که این دو کلمه (بارو عربیا) مربوط بحضرت محمد ص میشود، در تورات های بعدی که به تمام السنه دیگر چاپ کرده اند جمله وحی به عربستان را به وحی درباره عرب ترجمه کرده اند که این راز را جناب عبدالاحد داود کشف و آنرا در ثرگرانهای خود در جرایدانگلیسی مفصل افشاء ساخته است.

حالا اگر درباره این دو پیشگویی اشعیا ع و آن پیشگویی اولیه حضرت موسی ع که قبلاً ذکر کردم و صحبت از درخشش خداوند ج در جبل فاران میکرد قدری عمیق و به غور مطالعه شود می بینیم که فقط حضرت اسماعیل ع در بیابانهای فاران اقامت گزید و بس قیداره و سایر فرزندان نیاکان و اسلاف اعراب بودند که در همان نقطه به دنیا آمده اند و حضرت محمد ص نواده قدوسی قیداره و حضرت اسماعیل ع میباشد و هم حضرت محمد ص یگانه پیامبری است که مطابق پیشگویی های انبیای سلف که گفته بود اعقاب قیداره نیز به در یافت وحی خداوندی نایل میاید. یعنی درست در زمانیکه تاریکی زمین را فرا گرفته بود به دریافت وحی خداوندی توفیق یافت یعنی خداوند از طریق محمد ص از جبل فاران درخشید و مکه درین منطقه تنها محلی است که به خانه خداوند جل جلاله تبدیل شد و مطابق

همان پیشگوئیهای رسولان به حق خداج شکوه و جلال یافت. به علاوه خانه جلال من که خداوند فرموده بیت الله در مکه است از همه جالب تر ذکر رقم ده هزارتن از مؤمنین و مقدسین که حضرت موسی پیامبر در سفر مثنی ذکر کرده که قبلاً یاد آور شدم میباشد که میفرماید (خداوند از جبل فاران درخشید و با ده هزار مقدسین آمد). این محمد ص بود که با ده هزار مسلمانان و پیروان خویش وارد مکه شد، به دست راستش شریعت آتشین و خطاب به مردم فرمود لا اله الا الله محمد رسول الله و با همان شریعت آتشین که به دست راست داشت همه عقاید باطله را به خاکستر مبدل ساخت بنا بر نظر جناب داوود عبدالاحد، علامه سلجوقی و نویسنده کتاب قران و محمد اثر ویلیام جیمز و جناب ابوالفضل المیبدی مفسر قران معروف به تفسیر حضرت خواجه عبدالله پیر انصار رحمت الله علیه و بعضی دیگر محققین سراسر صحرای فاران و تمام منطقه مکه را عمیقانه تجسس و یا اوراق تواریخ را ورق زنیم، هیچ حادثه ای دیگر جز فتح مکه به دست محمد رسول الله با شرایط این پیشگوئی ها تطبیق نمیشود. و هم میگویند اگر محمد علیه السلام این پیامبر موعود نباشد، پس پیشگوئی های انبیای سلف هنوز به تحقق نپیوسته است زیرا حضرت موسی فرمود، چنین شریعت گذار می آید، حضرت یعقوب گفت چنین فرماندار می آید. حضرت داوود اعلام فرمود سردار و سرور من می آید، حضرت عیسی اظهار داشت، این سردار داوود از خاندان اسماعیل است، یعنی خودش چون ذریه اسحق ع بودند ازین وظیفه شانه خالی کردند، به علاوه فرمودند، تسلی دهنده، برای تکمیل دین الهی بعداً میآید، لهذا باید اعتراف کرد که آن تسلی دهنده و مدافع روح حق و حقیقت که عیسی ع از آن سخن میگفت، هیچکسی دیگر جز حضرت محمد ص نبود، و خلاف ادعای فقهای کلیسای عیسویت به هیچ صورت نمیتوان روح القدس را به جای آن پیامبر شریعت گذار قرار داد.

ادامه دلرد